

شناختنامه زیارت آل یاسین

روح الله شاهی*، دکتر سید اسحاق حسینی کوهساری**

چکیده

زیارت آل یاسین از زیارت‌های حضرت ولی عصر علیه السلام است که طبری آن را به نقل از توفیق حمیری در کتاب خود (احتجاج) آورده است. این زیارت به درخواست شیعیان از ناحیه مقدسه صادر شده است و علما و بزرگان به آن عنایت داشته‌اند. در این نوشتار به دنبال شناخت بیشتر زیارت و اثبات اعتبار و آل یاسین بودن اهل بیت علیهم السلام هستیم. کلیدواژه‌ها: آل یاسین، اهل بیت علیهم السلام، طبری، حمیری، کادح (قادح).

طرح بحث

اطمینان به صحت و حتمی بودن امور، انسان را در به کارگیری آن‌ها در زندگی خویش با طمأنینه و آرامش همراه می‌کند. این مهم در امور اعتقادی و باورهای دینی از جمله ادعیه و زیارات، از دقت و ظرافت بیشتری برخوردار است؛ زیرا از یک سو اوصاف خداوند، خارج از وصف است و هرگونه سخن در شناخت اوصاف و ویژگی‌های حضرتش، مگر از عباد مخلصش غیرقابل قبول است:

<سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ* إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ> (صافات: ۱۵۹ و ۱۶۰)

از سوی دیگر، شناخت معصوم، مگر از جانب خدا و معصومان ممکن نیست: «يَا عَلِيُّ! مَا عَرَفَ اللَّهُ إِلَّا أَنَا وَ أَنْتَ، وَ مَا عَرَفَنِي إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْتَ، وَ مَا عَرَفَكَ إِلَّا اللَّهُ»

*. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث.

** . استادیار دانشگاه تهران (پردیس قم).

وَأَنَا^۱

همچنین عارض شدن مشکلاتی همچون حذف سند، تصحیف، تحریف و... در تاریخ پر فراز و نشیب اسلام به خصوص تاریخ تشیع، راه معرفت و رسیدن به سعادت، بسی دشوار می‌نماید؛ ولی اثبات اعتبار و نیز مطابقت این اخبار با آموزه های قرآن، اطمینان از به کارگیری تعالیم آن را فراهم می‌آورد. در این مقاله به بررسی اعتبار زیارت «آل یاسین» خواهیم پرداخت.

گونه های زیارت آل یاسین

کتب ادعیه و زیارات دو زیارت را گزارش کرده‌اند که با عبارت «سلام آل یاسین» شروع می‌شوند. راوی هر دو زیارت، محمد بن عبدالله حمیری است. او با دو تن از نایبان خاص حضرت ولی عصر علیه السلام هم عصر بود و گرایش شدیدی به حضرت ولی عصر علیه السلام داشت. در این راستا بود که به واسطه سفیران حضرت، با امام مهدی علیه السلام رابطه برقرار کرد. وی خدمت آن عزیز، نامه هایی ارسال می‌کرد و مسائل شرعی و نیازهای دینی خود را از آن بزرگوار می‌پرسید و پاسخ می‌گرفت. برای وی از سوی حضرت ولی عصر علیه السلام دو بار زیارت صادر شده است. که دو زیارت، شباهت زیادی به یک‌دیگر دارند و در واقع نسبت میان آن‌ها عموم و خصوص من وجه است.

علامه مجلسی رحمته الله زیارت اول را که در زمان محمد بن عثمان، نایب دوم امام زمان علیه السلام صادر شده است، در کتاب دعای بحار الانوار از خط شیخ محمد بن علی جبّعی جد شیخ بهایی، و در کتاب مزار از سید بن طاووس که آن را زیارت ندبه نامیده و در سرداب مقدس خوانده می‌شود، نقل کرده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۶، ص ۹۲). سپس همین زیارت را از قول مؤلف المزار الکبیر نقل کرده است، به

۱. تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص ۱۴۵ و ۲۲۷؛ روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)، ج ۵، ص ۴۹۲.

علاوه دوازده رکعت نماز. مؤلف می‌گوید: أحمد بن ابراهیم گفت: به محمد بن عثمان که از نواب امام زمان علیه السلام بود گلایه کردم که بسیار مشتاق دیدن مولای خود هستم. گفت: «با اشتیاق، خواهش دیدار آن حضرت را داری؟»

گفتم: «بله». گفت: «خدا تو را به سبب اشتیاق ثواب دهد، و روی مبارک آن حضرت را به آسانی و با عافیت به تو بنماید». پس گفت: دیدار آن حضرت را در این ایام غیبت، آرزو مکن که باید مشتاق خدمت آن حضرت باشی، آنه دیدار او، و نباید درخواست اجتماع با آن حضرت را داشته باشی که این [عدم امکان اجتماع با حضرت] از امور حتمی خداست و تسلیم و انقیاد در برابر خداوند لازم است؛ لیکن توجه کن به سوی آن حضرت به وسیله زیارت کردن بعد از دوازده رکعت نماز که در هر رکعت، سوره <قل هو الله أحد> بخوانی و بعد از هر دو رکعت، سلام بگویی، و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستی؛ پس بگو: سلام علی آل یاسین ذلک هو الفضل المبین من عند الله و الله ذو الفضل العظیم.^۱ (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ص ۵۸۶)

۱. این زیارت را، علامه مجلسی تحت عنوان «زیارت امام غایب از نظر»، چند بار نقل کرده است که در ج ۹۹، ص ۹۲ به نقل از حمیری «زیارة آخری له صلوات الله علیه و هی المعروفة بالندبة خرجت من الناحية المحفوفة بالقدس إلى أبي جعفر محمد بن عبد الله الحمیری رحمه الله و أمر أن تتلى فی السرداب المقدس و هی بسم الله الرحمن الرحیم...» — همان جلد ص ۹۶ به نقل از حمیری بدون ذکر سرداب مقدس و در ص ۹۷ به نقل از احمد بن ابراهیم که به نایب دوم امام محمد بن عثمان اشتیاق خود را برای زیارت امام زمان مطرح می‌کند. محمد بن عثمان نیز ضمن اشاره به اینکه امکان چنین دیداری فراهم نیست، او را به این زیارت مذکور رهنمون می‌شود و می‌گوید: «زیارت را از نزد محمد بن علی استنساخ کنید» و بعد از دوازده رکعت نماز، زیارت را بخوانید. چنان‌که مؤلف *المزار الکبیر* نقل کرده است و نامی از حمیری نمی‌برد. راوی هردو زیارت، محمد بن عبدالله حمیری است، اما به نظر می‌رسد زیارت اول را فقط حمیری روایت کرده و زیارت دوم در توقیع شریف حضرت برای او صادر شده است. (ر.ک: *جرعه ای از زلال سرداب مقدس*، سید فرید موسوی، ص ۲۵).

اما زیارت دوم را که همان زیارت آل یس مشهور است، اولین بار ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی (م ۵۸۸) در کتاب ارزشمند خویش، احتجاج نقل نموده (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۴۹۲) و سپس علامه مجلسی در مجلدات پنجاه و سوم، (ص ۱۷۱) نود و یکم (ص ۲) و نود و نهم (ص ۸۱) بحار الانوار زیارت را نقل کرده است. بر همین اساس طبق نقل سید بن طاووس که از بزرگان و فحول در شناسایی و نقل ادعیه و زیارات است، ما زیارت دوم را زیارت آل یاسین می‌دانیم و به بررسی آن می‌پردازیم.

سند زیارت آل یاسین

احمد بن علی طبرسی صاحب کتاب/احتجاج

نخستین مصدر ناقل زیارت «آل یس» کتاب/احتجاج اثر مرحوم احمد بن علی طبرسی (م ۵۸۸ق) است که زیارت را به نقل از محمد بن عبدالله حمیری، در بخش «مقداری از فرمایشات امام زمان علیه السلام در مورد مسائل فقهی و غیر آن در توقیعاتی که توسط نواب چهارگانه و غیر ایشان از او صادر شده» (طبرسی، ۱۳۸۱: ترجمه جعفری، ج ۲، ص ۶۰۴) آورده است.

بزرگان و علمای متقدم و متأخر، طبرسی را ستوده و به کتابش اعتماد کرده‌اند. شیخ آقا بزرگ طهرانی رحمته الله علیه در ذیل عنوان کتاب می‌نویسد:

الاحتجاج علی اهل اللجاج تألیف شیخ جلیل، أبو منصور احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، استاد رشید الدین محمد بن علی بن شهر آشوب السروی است که او در سنه ۵۸۸ وفات یافته، ... تمام مرسلات در کتاب از احادیث مستفیض مشهور و اجماعی از مخالف و موافق می‌باشد. کتاب فوق الذکر، از جمله کتب معتبره‌ای است که مُعتمد تمام علمای اعلام همچون علامه مجلسی رحمته الله علیه و محدث حر عاملی رحمته الله علیه و مانند آن دو بزرگوار می‌باشد (طهرانی، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۸۲).

شیخ حر عاملی می‌گوید:

احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، دانشمند فاضل و فقیه پرهیزگار و مؤلف کتاب *احتجاج* بر اهل لجاج که کتاب خوب و کثیر الفوائدی می‌باشد. مرحوم مؤلف روایت می‌کند از سید عالم و عابد ابوجعفر مهدی بن ابی حرب حسینی مرعشی، و او از شیخ بزرگوار ابو عبد الله جعفر بن محمد بن احمد دوریستی، و او از پدرش محمد بن احمد دوریستی، و او از شیخ صدوق محمد بن علی بن حسین بن بابویه القمی، و برای مؤلف در نقل حدیث، هم طرق دیگر و هم تألیفات دیگری نیز هست». (حر عاملی، بی‌تا: ج ۲، ص ۱۷)

ابن شهر آشوب نیز صحت انتساب کتاب به استادش طبرسی را تایید کرده، علاوه بر *احتجاج*، برخی دیگر از آثار او را نام می‌برد. (مازندرانی، ص ۶۱، رقم ۱۲۵). سید بزرگوار، ابن طاووس در فصل ۵۴ کتاب *کشف المحجبه* مطالعه آن را به پسرش توصیه می‌کند و می‌گوید: «و کتاب الاحتجاج لأبی منصور أحمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی». (ابن طاووس، ۱۳۳۰: ص ۳۵) علامه مجلسی نیز *احتجاج* را از منابع *بحار/الانوار* قرار داده و فرموده است: «سید بن طاووس او و کتابش را ستوده است»، و سپس می‌گوید: «اکثر متأخران از کتاب *احتجاج* روایت کرده‌اند». (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۲۸)

این توثیقات در حالی است که طبرسی، انگیزه خود را از نوشتن کتاب، اثبات شرعی بودن بحث و گفت‌وگو و جدل به حق، و ترغیب شیعیان به این کار بیان کرده، و از آوردن سلسله روایات احادیث با اعتقاد به اجماع، عقل و تواتر روایات در کتب فریقین، چشم پوشیده است. (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۱). بر همین اساس با توجه توثیقات مذکور، کتاب *احتجاج* و مؤلف آن، احمد بن علی طبرسی رحمه الله مورد اعتمادند؛ هرچند هیچ نگاره و اثر بشری، سوای معصوم، خالی از انتقاد و احیاناً اشتباه نیست؛ از همین رو به همین مقدار از نقل توثیقات طبرسی، بسنده کرد، در ادامه به بررسی شخصیت راوی زیارت محمد بن عبدالله حمیری می‌پردازیم.

شخصیت شناسی محمد بن عبدالله حمیری (راوی زیارت)

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری راوی زیارت آل یاسین است. وی از سوی علمای رجال، توثیق شده و مورد اعتماد آنها قرار گرفته است. نجاشی درباره اش می گوید:

محمد بن عبدالله حمیری از محدثان مورد اعتماد و در میان دانشمندان قم، از برجسته‌ها و نمونه هاست. او چنان شخصیتی است که باب مکاتبه اش با حضرت ولی عصر علیه السلام باز بود و با آن بزرگوار، ارتباط داشت و مسائل گوناگونی را در زمینه های دینی، از آن حضرت سؤال کرد. استاد من، احمد بن حسین غضائری برایم می گفت: «من اصل سؤال‌ها و جواب های حضرت را که در بین سطرها نوشته بودند، دیده ام.» (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۳۵۵)

شیخ طوسی در سه جا از کتاب رجال از وی نام برده است. (طوسی، ۱۳۷۳: ص ۴۳۹، ۴۴۵، ۴۴۸). علامه حلی هم درباره اش می گوید: «او محدثی است فرزانه که با حضرت ولی عصر علیه السلام مکاتبه و ارتباط داشت.» (حلی، ۱۴۱۱: ص ۱۵۷). نام او محمد، کنیه اش ابو جعفر و معروف به «حمیری قمی» است. (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۳۵۵؛ طوسی، ۱۴۲۰: ص ۴۴۲). او اهل قم و منسوب به قبیله‌ای در یمن به نام «حمیر» است. صاحب لسان العرب می گوید: «حمیر بزرگ خاندان طائفه حمیر بود و او حمیر بن سبأ است» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۲۱۵). تاریخ ولادت این عالم بزرگوار، مبهم است و حتی نام چندانی از استادان این محدث بزرگوار در تذکره‌ها و تراجم رجال، ذکر نشده و گویی بیش از دو یا سه استاد روایت نداشته است. این اساتید عبارتند از:

پدر بزرگوارش، عبدالله بن جعفر حمیری قمی (صاحب قرب الاسناد).

احمد بن محمد بن خالد برقی قمی (دانشمند برجسته و مؤلف کتاب معروف محاسن).

از شاگردان محمد بن عبدالله الحمیری می توان علی بن حسین بن شاذویه

(صدوق، ۱۴۰۰: ص ۹۹، ح ۷). و احمد بن هارون (همان، ۱۴۰۰: ص ۳۹، ح ۷) از استادان مرحوم صدوق، ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی صاحب کامل الزیارات، (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ص ۲۴) حسن بن حمزه علوی حسینی طبری (مفید، ۱۴۱۳: ص ۱۲) از اساتید برجسته جناب شیخ مفید را نام برد. از توثیق حمیری توسط علمای رجال شیعه، نجاشی و شیخ طوسی به دست می‌آید که زیارت آل یاسین از نظر سندی، معتبر و کتاب ناقل زیارت و راوی آن، مورد اعتمادند.

واژه شناسی «آل یس»

در نام گذاری‌ها مناسبت خاصی در نظر گرفته نمی‌شود و به طور قطع در ادعیه و زیارات نیز گاهی این چنین عمل شده است. درباره زیارت «آل یس» نیز چنین احتمالی مطرح است که با توجه به اینکه این زیارت با جمله «سلام علی آل یس» آغاز می‌شود، زیارت به این نام مشهور شده باشد. از آنجا که در تفسیر آیه اول سوره «یس» گفته شده است که «یس» یعنی محمد ﷺ و «آل یاسین» یعنی اهل بیت علیهم السلام باید در یافتن معنای لغوی، دقت بیشتری مبذول کرد. برخی، «آل یاسین» را یک کلمه دانسته اند (الیاسین)، و معتقدند قرائت آن به فتح و مد همزه و کسر لام (آل)، و اعتقاد به اینکه نام پدر الیاس علیهما السلام، یاسین بوده است، به دلیل شکل کتابت به صورت منفصله است (آل یس)؛ چنان که منشأ قرائت به «آل یس» را نیز تفسیر یاسین به رسول الله دانسته‌اند و معتقدند اضافه شدن «ین» به آخر کلمه الیاس به منظور حفظ نظم اواخر آیات و همچنین تعظیم و بزرگداشت با زیاد شدن مبانی بوده است. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۱، ص ۱۳۰). برخی نیز «آل یاسین» را ترکیبی اضافی دانسته‌اند به معنای «الیاس و اهل او». (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۴، ص: ۱۲۶). اما در این باره که «آل یاسین» را در لغت به

۱. تفسیر فرات الکوفی، ص: ۳۵۶؛ تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، ج ۸، ص، ۲۰؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۲، ص ۱۳.

معنای پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام بدانیم، ابتدا باید به تحلیل واژه «آل» بپردازیم. واژه «آل» را لغت شناسان مشتق از «اهل» به معنای پیروان و افراد هم عقیده یک شخص دانسته‌اند و معتقدند در اثر گسترش استعمال، لفظ «اهل» به افراد درون خانه یک مرد (اهل بیت) نیز اطلاق شده است. اهل هر پیغمبر نیز، همان امت اویند. (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۵، ص ۳۱۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۱، ص ۳۸).

صاحب قاموس نیز معتقد است؛ با توجه به کاربرد قرآنی آل موسی، آل هرون، آل ابراهیم، آل عمران... و اینکه خداوند می‌فرماید: «فَأَسْرِبْ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ» (هود: ۸۱). و در جای دیگر می‌فرماید: «إِنَّا آلَ لُوطٍ نَجِّينَاهُمْ بِسَحَرٍ» (قمر: ۳۴). آل به معنای اهل است.

عده‌ای نیز قدر مسلم معنای «آل» را همان اهل خانه مرد می‌دانند؛ اما اشتقاق «آل» را از اهل نپذیرفته و آن را از ریشه «اول» به معنای تقدم و ترتب بر دیگری دانسته‌اند؛ بر این اساس «آل» به افرادی اطلاق می‌شود که عنوان، روش و دین آن‌ها، به شخصی بر می‌گردد. این اطلاق با توجه به قراین، مفهومی گسترده می‌یابد؛ اما با این گسترش مفهوم، تنها به مطلق اتباع از یک شخص معنا می‌شود. این نکته نیز قابل یادآوری است که قید مفهومی در «آل» رجوع و اتکاست. برخلاف «اهل» که قید مفهومی آن، انس و همدلی است.^۱

«یاسین» نیز با توجه به سخن گروهی که «یاسین» را الیاس و اهل او معنا کرده‌اند، مساوی است با الیاس. (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۴، ص ۱۲۶). این نظر با در نظر گرفتن «ال» و «یاسین» به صورت مجزا، قابل دفاع نیست؛ زیرا اهل لغت با در نظر گرفتن «آل» در کنار «یاسین» آن را به معنای الیاس گرفته‌اند؛ وگرنه یاسین به صورت مجزا، معنای خاصی به جز آنچه به عنوان حروف مقطعه خوانده شده است، ندارد که در اینجا با توجه به رسم الخط قرآن مطرح نیست، مگر اینکه

۱. ر.ک: التحقیق.

بگوییم تعبیر به «الیاسین» به جای «الیاس» یا به سبب این است که الیاسین لغتی در واژه «الیاس» بود، و هر دو به یک معنا است، و یا اشاره به الیاس و پیروان او است که به صورت جمع آمده است. نخست «الیاس» منسوب گشته و «الیاسی» شده، سپس به صورت جمع درآمده و «الیاسیین» گردیده، و بعد مُخَفَّف شده و «الیاسین» شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۹، ص ۱۴۳). بنابراین از نظر لغوی، «آل یاسین» مساوی است با الیاس، و اقوال دیگر، مخالف ظاهر آیات قرآن است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۱، ص ۱۲۹).

اما روایات زیادی وارد شده مبنی بر اینکه «یس» نام پیامبر صلی الله علیه و آله است و اهل بیت ایشان آل یاسین هستند. امام صادق علیه السلام از اجدادش از امام علی علیه السلام می فرماید: یاسین، محمد است و ما آل یاسین هستیم (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۴، ص: ۲۸۲).

فرات کوفی نیز معنعناً از ابن عباس نقل می کند که می گوید: آل یاسین همان آل محمدند. (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ص ۳۵۶)

نیز نقل شده است که مأمون از حضرت امام رضا علیه السلام می پرسد: «آیا غیر از آنچه مشهور است در اینکه شما اهل بیت، همان آل پیغمبر هستید، آیه ای در قرآن وجود دارد؟» امام پس از تلاوت آیات اولیه سوره یس یس و القرآن الحکیم انک لمن المرسلین علی صراط مستقیم (یس: ۲ و ۱). و نقل اینکه یس نام پیامبر صلی الله علیه و آله است و کسی در آن شک ندارد، فرمود: «خداوند از این رهگذر، چنان فضلی به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله عطا کرده که هیچ کس به کنه وصف آن پی نمی برد، مگر اینکه بیندیشد. آنجا که خداوند به احدی مگر انبیا درود نفرستاده و می فرماید: سَلَامٌ عَلٰی نُوحٍ فِی الْعَالَمِیْنَ (صافات: ۷۹). و می فرماید: سَلَامٌ عَلٰی اِبْرَاهِیْمَ (همان: ۱۰۹). و می فرماید: سَلَامٌ عَلٰی مُوسٰی وَ هَارُونَ، (همان: ۱۲۰). اما نفرموده سلام بر آل نوح و آل ابراهیم و آل موسی و هارون، و فرموده است: سَلَامٌ عَلٰی اِلٰی یَاسِیْنَ (همان: ۱۳۰). و آل یاسین، آل محمدند. (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۴، ص ۶۲۶).

از دوازده روایت نقل شده در تفسیر برهان که آل یاسین را آل محمد عليه السلام می‌داند، تنها پنج روایت از امامان عليهم السلام نقل شده، دو روایت از امیرالمؤمنین، دو روایت از امام صادق و یکی از امام رضا عليه السلام. بقیه روایات از ابن عباس و ابو مالک و ابو عبد الرحمن می‌باشد. آنچه از حضرت رضا عليه السلام روایت شده به لحاظ سند، صحیح است و سایر روایات بنا بر آنکه «جعفر بن محمد بن مسرور» که مورد پسند مرحوم صدوق است، ثقه باشد، صحیح هستند. (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۱۰۷).

مؤلف تفسیر نمونه، با اظهار اینکه تنها یکی از روایات منقول در معانی الاخبار [که با روایات البرهان یکسان است] به اهل بیت منتهی می‌شود، به علت مجهول بودن «کادح» یا «قادح» که در سلسله راویان قرار دارد، سکوت و عدم بیان نظر را بهتر می‌دانند (مکارم شیرازی، ج ۱۹، ص: ۱۴۶). از همین رو به بررسی این شخصیت می‌پردازیم.

شخصیت شناسی «کادح»

همان‌طور که اشاره شد، در سلسله روایاتی که آل یاسین را آل محمد عليه السلام معرفی می‌کند، شخصی به نام «کادح» وجود دارد که او را مجهول می‌دانند. معانی الاخبار و البرهان چنین می‌نویسند:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّلَقَانِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَيْسَى الْجَلُودِي الْبَصْرِي قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَهْلٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْخَضِرُ بْنُ أَبِي فَاطِمَةَ الْبَلْخِي قَالَ حَدَّثَنَا وَهْبُ بْنُ نَافِعٍ قَالَ حَدَّثَنِي كَادِحٌ [قَادِح] عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ قَالَ يَاسِينَ مُحَمَّدٌ ص وَنَحْنُ آلُ يَاسِينَ (صدوق، ۱۴۰۰: ص ۱۲۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۴، ص ۶۲۴).

کتب رجال نام سه تن از راویان را «کادح» ذکر کرده اند؛ «کادح بن جعفر»،

«کادح بن رحمة الزاهد» و «کادح بن نصیر». صاحب لسان المیزان «کادح بن نصیر» را همان «کادح بن رحمة الزاهد» می‌داند و از قول رافعی می‌نویسد: در کتب تاریخی معروف، نامی از کادح بن رحمة نیست؛ و این موضوع به علت کم بودن اطلاعات در مورد اوست. (عسقلانی، ۱۴۱۶: ج ۵، ص ۴۴۹)

نام او کادح بن رحمة العُزنی الکوفی و کینه‌اش ابورحمة است. سلیمان بن ربیع، کادح را مدح کرده و او را عابد می‌خواند. خطابی نیز در مدح کادح می‌گوید: شش شب با کادح همراه بودم ندیدم شب و روز، سر به بالین بگذارد. (جرجانی، ۱۴۱۸: ج ۷، ص ۲۲۹)

کادح مقلوبات افراد ثقه را روایت می‌کرد، تا اینکه گویی از مقلوب بودن و عدم اتقان آن احادیث غفلت کرد یا دچار توهم صحت گردید؛ به همین علت، احادیث منکر او زیاد شدند و روایاتش متروک قلمداد شد. کادح از ابو حمزه الضبعی از ابن عباس از پیامبر ﷺ روایت می‌کند که: «هرکس بعد از نماز جمعه، صد بار «سبحان الله العظیم و بحمده» را بگوید، خداوند یکصد هزار گناه از خودش و بیست و چهار هزار گناه والدینش را می‌آمرزد». حمزة بن داود نیز همین روایت را به طور کامل ذکر می‌کند (تمیمی بستی، ۱۴۱۲: ج ۲، ص ۲۳۰). که نشان‌گر معتمد بودن کادح در بعضی روایاتش می‌باشد. برخی، احادیث کادح را همانند احادیث صالحین دانسته‌اند، اما به علت ازدیاد منکرات در روایت، مورد رجوع و متابعت نیست. (جرجانی، ۱۴۱۸: ج ۷، ص ۲۳۰؛ ذهبی، ۱۴۳۰: ص ۳۹۶).

راوی دیگر، «کادح بن جعفر» است که شیخ طوسی رحمته الله او را از ضعفا دانسته، و آیت الله خویی رحمته الله نیز به نقل از رجال شیخ و اذعان به اینکه دیگر کتب نامی از کادح نبرده‌اند او را ضعیف دانسته است. ابوحاتم و احمد بن حنبل، کادح بن جعفر را مدح کرده‌اند. عبد الله بن احمد بن حنبل می‌گوید: از پدرم درباره کادح بن جعفر پرسیدم؛ گفت «لیس به بأس». مردی صالح، فاضل و نیکوکار است. در روایتی آمده که او صاحب سنت و عبادت، یعنی حدیث است. همچنین او را با

عنوان «صدوق» و «کان من العباد» ستوده‌اند و ابن شاهین او را از ثقات بر شمرده است؛ هرچند برخی مانند الازدی او را جرح کرده و ضعیف و زائغ دانسته‌اند؛ از همین رو با توجه به اینکه کادح بن جعفر از یاران امام صادق علیه السلام است - برخلاف جرح شیخ طوسی - قابل اعتماد بوده و روایتش در باب اینکه آل محمد علیهم السلام همان آل یاسین هستند، پذیرفتنی است. این احتمال نیز مطرح است که تضعیف «کادح بن جعفر» توسط شیخ طوسی در اثر اشتباه با «کادح بن رحمة الزاهد» صورت پذیرفته باشد.

آل یاسین از نظر علم قرائات

قرائت همان تلاوت و خواندن قرآن کریم است. اصطلاحاً، هرگاه تلاوت قرآن به گونه‌ای باشد که از نص وحی الهی حکایت کند و بر حسب اجتهاد یکی از قراء معروف، استوار باشد، قرائت قرآن، تحقق یافته است. شرط صحت قرائت بر اساس علم قرائت، عبارت است از: ۱. صحت سند قرائت؛ ۲. موافقت با رسم الخط مصحف؛ ۳. موافقت با رسم الخط عربی. هرگاه قرائتی یکی از این شروط را نداشته باشد، غیر صحیح و مردود است.

پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تلاش مسلمین برای جمع و تألیف صحیح قرآن، باعث بروز اختلاف در قرائت شد، که به اقدام عثمان در توحید مصاحف انجامید؛ اما توحید مصاحف نیز به دلایلی مانند ابتدایی بودن خط و نگارش، بی نقطه بودن حروف و... مشکل را برطرف نکرد و همچنان قرائت‌های متفاوتی میان مسلمین وجود داشت، تا سرانجام مجاهد بن جبر مکی، هفت قرائت را به عنوان قرائت برگزیده معرفی کرد و مورد اقبال عمومی قرار گرفت؛ هر چند علمای علم قرائت بر مجاهد به دلیل حصر قرائات در هفت قرائت خرده گرفته و به او اعتراض کردند. (معرفت، ۱۳۸۵: ص ۲۰۲ - ۲۱۲).

حجیت قرائات سبعة را بیشتر فقها و علما پذیرفته‌اند و قائل به جواز قرائت آن

در نماز هستند. (همان، ص ۲۲۲). از میان قرآء سبعة، نافع و ابن عامر، لفظ آل یاسین را به فصل (آل یاسین)، و بقیه به وصل (الیاسین) قرائت کرده‌اند. (طوسی، ج ۸، ص ۵۲۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۱۱، ص ۱۷۵). در قرائت‌های دهگانه نیز یعقوب «آل یاسین» را به فصل قرائت کرده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۷، ص ۲۴۱). همچنین مؤلف کتاب *آل یاسین قرائة قرآنیة اصیلة* نام شش نفر دیگر را به عنوان قاریان معروفی که قرائات بعضی از آن‌ها را از صحیح‌ترین قرائات نزد علمای سنی مثل احمد بن حنبل معرفی می‌کند، در زمره کسانی می‌آورد که آل یاسین را به فصل، قرائت می‌کنند.^۱

شایان ذکر است که قرائت به «آل یاسین» با توجه به موافقت با رسم الخط، بلاغت زبان عربی و مصحف عثمانی و اینکه تفاوت لغوی، قرائت را از شذوذ قرار نمی‌دهد، قرائتی شاذ نیست.^۲ همچنین باید توجه داشت که تمسک انحصاری به قرائات سبعة مطلبی نیست که بتوان درباره آن، اثر و خبر و سنتی را جست‌وجو کرد؛ یعنی هیچ شاهی از طریق خبر و سنت برای انحصار تمسک به قرائات قرآء سبعة وجود ندارد؛ بنابراین قرائاتی جز قرائات سبعة نیز وجود دارند که مانند آن‌ها از تواتر برخوردارند.^۳ سرزنش و خرده‌گیری علمای فن قرائت، به مجاهد در انحصار قرائات نیز به همین دلیل است؛ بنابراین قائل شدن به صحت قرائت آل یاسین به فصل، بر اساس دیگر قرائات نیز ممکن است.

صحت قول به آل یاسین بودن اهل بیت پیامبر ﷺ از منظر روایی و علم قرائت، با قرائت آل یس به صورت منفصل، با توجه به مقدمه فوق مشخص می‌شود، و روایت شیعه و سنی نیز به آن اشاره دارند؛^۴ اما می‌توان با دقتی

۱. ر.ک: آل یاسین قرائة قرآنیة اصیلة، ص ۱۵۴ و ۵۱.

۲. همان، ص ۹۰ و ۹۴ و ۱۵۴.

۳. مقدمه ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم، ص ۶۵ و ۹۸.

۴. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۲۸۲؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۳۵۶؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۳۲؛ شواهد

مضاعف در لفظ «الیاسین» به صورت متصل نیز آل یاسین بودن اهل بیت علیهم السلام را اثبات کرد. در آیه <إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَا لَا ذِمَّةً> و <لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَا لَا ذِمَّةً> (توبه: ۸ و ۱۰). لفظ «ال» به کار رفته است. یکی از معانی مطروحه ذیل این لفظ، قرابت است که با قرائت مرسوم «آل یاسین» به صورت «الیاسین» هماهنگ می‌باشد. مفسران در معنای لفظ «ال» لغات زیر را آورده اند: قرابت (نزدیکی)، عهد (پیمان و تعهد)، جوار (همسایگی و نزدیک بودن)، حلف (سوگند) و یمین (قسم).^۱ کتب لغت نیز «ال» را به همین معنا آورده‌اند.^۲ در این صورت معنای آیه <سَلَامٌ عَلٰی اٰلِ يٰسِیْنَ> (صافات: ۱۳۰). سلام بر اقربا و رحم و همجواران یاسین است که همان اهل بیت علیهم السلام هستند. با این فهم جدید از آیه، مصداق قرائت به فصل و به وصل «آل یاسین»، اهل بیت علیهم السلام هستند. (لشکری بغدادی، ۱۴۲۹: ص ۱۶۰).

زمان و سبب صدور زیارت

چنان‌که بیان شد، مصداق «آل یاسین» اهل بیت پیامبر علیهم السلام هستند؛ اما سبب صدور زیارت از سوی امام عصر علیه السلام چیست؟ همان‌طور که در فهم و تفسیر آیات و سور قرآن کریم، مسأله سبب نزول مطرح است، در فهم و تبیین روایات و احادیث نقل شده از اهل بیت علیهم السلام نیز سبب صدور مطرح می‌شود. آشنایی با این اسباب، فهم و تفسیر مقاصد اهل بیت از بیاناتشان را روشن‌تر می‌کند. در صدور زیارت آل یاس سبب خاصی مشخص نیست. محدثان چنین نقل کرده‌اند: از محمد بن عبد

→→→

التنزیل، ج ۲، ص ۱۶۵؛ روح المعانی، ج ۱۲، ص ۱۳۵؛ الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۸۶.
 ۱. ر.ک: ترجمه مجمع البیان، ج ۱۱، ص ۲۶؛ ترجمه المیزان، ج ۹، ص ۲۰۹؛ تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۲، ص ۱۵۸؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۵۹؛ معالم التنزیل، ج ۲، ص ۳۱۹.
 ۲. ر.ک: کتاب العین، ج ۸، ص ۳۶۱؛ مفردات الفاظ القرآن، ص ۸۱؛ قاموس قرآن، ج ۱، ص ۹۴.

الله بن جعفر الحمیری رحمته الله منقول و مروی است:

توقیع دیگر سوای آن توقیع از ناحیه مقدسه - که خدا آن را حراست کند - بعد از توقیع مسائل مذکور، بدین وجه بیرون آمد که: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَنَا لِأَمْرِهِ تَعْقُلُونَ حِكْمَةً بِالْغَةِ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ... عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ السَّلَامَ عَلَيْنَا وَ عَلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ وَإِنَّا فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى سَلَامٌ عَلَيَّ آلِ يَس.»^۱ (طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۲، ص ۳۴۳)

با توجه به آنچه که در سبب صدور روایات از اهل بیت علیهم السلام به عنوان سبب عام یا همان عمومات هدایتی، تربیتی و آموزشی مطرح می‌شود، (سلیمانی، ۱۳۸۵: ص ۱۵۶). احتمالاً می‌توان سبب صدور این زیارت را سببی عام دانست. البته ممکن است سببی خاص موجب صدور این زیارت شده باشد؛ توضیح آنکه شرایط و فضای حاکم در عصر غیبت صغرا، موجب شد شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام تحت فشار و نظر قرار گیرند. شرایط سیاسی و خفقانی را که دستگاه عباسی برای امامان نهم، دهم و یازدهم علیهم السلام ایجاد کرده بود و شک و سرگردانی‌ای که برای شیعیان در شناخت امام زمانشان پیش می‌آمد، درباره امام دوازدهم با غیبت آن حضرت دوجندان شده بود. از طرف دیگر، امام حسن عسکری علیه السلام نیز طبق مآخذ قرون اولیه، نتوانست آشکارا پسر خود را معرفی نموده و جانشین خود را به طور علنی نصب کند. (غفارزاده، ۱۳۸۳: ص ۷۸). افزون بر این در چنین شرایطی عده‌ای از خواص و افراد سرشناس نیز به علت ضعف ایمان، طمع به اموالی که از بلاد اسلامی به سوی نواب سرازیر می‌شد و رسیدن به شهرت و ریاست در جامعه دچار لغزش شده، بابیت امام را ادعا کردند. (همان، ص ۷۸؛

۱. لازم به توضیح است که مقدمه توقیع شریف علاوه بر تفاوت با مقدمه زیارت غیر معروفه (زیارت ندبه) در نسخه‌های موجود زیارت معروفه نیز دارای اندک تفاوتی با یکدیگرند، گویا دچار تصحیف شده است. ر.ک: احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱ و ج ۹۱، ص ۲ و ج ۹۹، ص ۸۱.

دوانی، ۱۳۸۵: ص ۵۵). با توجه به این شرایط، احتمالاً افرادی همچون حمیری، در پی یافتن راهی در دسترسی مستقیم به امام زمان علیه السلام، سؤالاتی را در مورد راهیابی به محضر حضرت ولی عصر علیه السلام مطرح کرده‌اند و حضرت نیز در جواب، زیارت را انشا فرموده‌است. (دشتی، ۱۳۸۶: ص ۱۰۹؛ طاهری، ۱۳۷۸: ص ۳۸۰). این نکته را شاید بتوان از عبارت «خرج التوقیع من الناحیه المقدسه حرسها الله بعد المسائل...» استنباط کرد؛ (طبرسی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۴۹۳). هرچند عبارت «بعد المسائل» نوع مسائل طرح شده را مشخص نکرده است. نکته دیگر اینکه با توجه به گسترش تعریف اصطلاحی توقیع در مورد امام مهدی علیه السلام که یادداشت‌های مستقل امام علیه السلام را که مسبوق به پرسش نیز نیستند، شامل می‌شود؛^۱ می‌توان احتمال ابتدایی بودن صدور را مطرح کرد که با این توصیف، صدور زیارت در زمره سبب عام قرار می‌گیرد؛ اما آنچه که بیشتر جلب نظر می‌کند، احتمال اول است، که حضرت در پی سؤال یا مسائلی که پاسخ آن، صدور چنین روایتی را اقتضا می‌کرده؛ زیارت را انشا نموده است. زمان صدور زیارت نیز با توجه موجود بودن توقیعات ناحیه مقدسه، در جواب سؤالات فقهی حمیری، تا سالهای ۳۰۷ و ۳۰۸،^۲ دوران نیابت حسین بن روح (نایب سوم امام علیه السلام) می‌باشد. احتمالاً حمیری نیز تا همین سال‌ها در قید حیات بوده است.

مضامین مشترک زیارت با دیگر زیارات اهل بیت

آنچه تاکنون مطرح شد، اقامه شواهد صدور زیارت با توجه به ملحقات خود زیارت - نظیر سند، راوی، مصدر اولیه نقل زیارت و مشخص کردن مصداق آل یاسین - بود؛ اما دلایل دیگری نیز می‌توان آورد که نوعاً برون متنی می‌باشند؛ از جمله کشف مضامین مشترک بین زیارت آل یاسین با دیگر زیارات. با توجه به

۱. ر.ک: دانشنامه جهان اسلام، ج ۸، ص ۵۷۷؛ ر.ک: اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۱، ح ۱۴.

۲. ر.ک: احتجاج، ج ۲، ص ۴۸۵ و ص ۴۸۷.

یکی بودن حقیقت نوری و وجود ملکوتی اهل بیت علیهم السلام در مرحله ثبوتی و کثرت ایشان در مرحله اثباتی، (ویس کرمی، ۱۳۸۲: ص ۲۵). و همسانی و هماهنگی کلام اولین و آخرین ایشان^۱ زیارت آل یاسین با دیگر زیارات صادره از معصومان علیهم السلام اشتراکاتی دارد. بر همین اساس اگر فقرات زیارت آل یس را در تقسیم بندی زیر جای دهیم، مشابهت های زیارت با سایر زیارات مشخص می شود:

الف. سلام: زیارت، مخاطب میان زائر و مزور است و براساس تعالیم اهل بیت علیهم السلام و تادیب رسول الله صلی الله علیه و آله جایگاه سلام، در ابتدای سخن است. «قَدْ أَدْبَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِقَوْلِهِ السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ»^۲ (راوندی، ۱۴۰۷: ص ۲۳: مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۰، ص ۳۱۳؛ نوری، ۱۴۰۸: ج ۵، ص ۲۱۴). زیارت نیز که مدرسه آموختن و تخلق به اخلاق الهی است، با این ادب آغاز می شود. «سلام علی آل یس».

ب. باب الله: از صفات حضرت ولی عصر علیه السلام در زیارت، باب الله است. در دیگر زیارات نیز این وصف برای سایر معصومان ذکر شده است؛ از جمله: زیارت امیر المؤمنین علیه السلام: «أشهد أنك جنب الله و أنك باب الله». (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ص ۴۴، صدوق، ۱۴۰۰: ج ۳، ص ۵۰۸) زیارت امام حسین علیه السلام: «... یا امین الله و حجة الله و باب الله». (کفعمی، ۱۴۰۵: ص ۵۰۱).

زیارت حضرت ولی عصر علیه السلام در شب نیمه شعبان: «السلام علیک یا باب الله الذی لا یؤتی إلا منه»^۳. (کفعمی، ۱۴۱۸: ص ۴۹۵؛ شهید اول، ۱۴۱۰: ص ۲۰۴)

۱. نک: رجال کشی، ص ۲۲۵؛ نوادر الأخبار، ص ۶۱. «إِنَّ كَلَامَ آخِرِنَا مِثْلُ كَلَامِ أَوْلِنَا وَ كَلَامَ أَوْلِنَا مُصَادِقٌ [مِصْدَاقٌ] لِكَلَامِ آخِرِنَا».

۲. همانا رسول الله با این کلام خود که «سلام قبل از سخن گفتن است» ما را ادب آموخت.

۳. البلد الامین و الدرع الحصین، النص، ص ۲۸۵؛ المصباح للكفعمی (جنة الأمان الواقیة و جنة...

ج. دیان: از دیگر خطابها در زیارت امام زمان «دیان» است. در دیگر زیارات می‌گوییم:
 زیارت امیر المومنین علی علیه السلام: «السَّلَامُ عَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ وَأَخِي
 رَسُولِكَ... وَ دِيَانَ الدِّينِ بَعْدَكَ» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ص ۲۰۱)
 زیارت امام رضا علیه السلام: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ عَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ [سَيِّدِ الْعَابِدِينَ] عَبْدِكَ...
 وَ دِيَانَ الدِّينِ بَعْدَكَ.» (همو: ص ۳۱۱).

د. بقیة الله؛ در آل یاسین و سایر زیارات اهل بیت علیهم السلام عرضه می‌داریم:
 زیارت امیر المومنین علیه السلام: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا بَقِيَةَ اللَّهِ وَ خَيْرَتَهُ.» (ابن مشهدی،
 ۱۴۱۹: ص ۲۴۸).

زیارت جامعه ائمه علیهم السلام: «وَأَهْلَ الذِّكْرِ... وَ بَقِيَةَ اللَّهِ وَ خَيْرَتَهُ.» (همو: ص ۵۲۶)
 زیارت حضرت ولی عصر علیه السلام: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَةَ اللَّهِ مِنَ الصَّفْوَةِ الْمُتَنَجِّبِينَ»
 (همو: ص ۵۸۶)

ه. اقامه نماز: سلام به امام زمان علیه السلام در حال نماز از فرازهایی است که با
 شهادت به اقامه نماز در دیگر زیارات، هم‌خوانی دارد:
 زیارت امیر المومنین علیه السلام: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ»؛ (صدوق، ۱۴۰۰: ج ۳،
 ص ۵۰۵).

زیارت امام حسین علیه السلام: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَ أَمَرْتَ
 بِالْمَعْرُوفِ...» (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ص ۴۶۳).

زیارت جامعه ائمه علیهم السلام: «أَشْهَدُ أَنَّ الْجِهَادَ مَعَكَ جِهَادٌ... أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ
 الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ.» (ابن قولویه، ۱۳۵۶:
 ص ۳۱۷).

دیگر فرازهای زیارت، از جمله «تالی کتاب الله»، اعتقاد به رجعت، اقرار به
 حجت الهی بودن امامان علیهم السلام نیز از سایر متون زیارات قابل دستیابی است که از

→

پرداختن به آن‌ها خودداری می‌کنیم.^۱ همچنین اعتبار زیارت با عرضه مفاد آن به قرآن کریم قابل اثبات است که در مجالی دیگر به آن خواهیم پرداخت.

نتیجه

زیارت آل یاسین، از زیارات مأثور است که راوی و مصدر اولیه آن، مورد اعتماد و توثیق علما قرار گرفته‌اند. «آل یاسین» همان اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام هستند و علاوه بر روایات منقول از اهل بیت علیهم‌السلام از نظر لغوی با توجه به قرائت مشهور به صورت **«إِلْیَاسِین»** نیز این مهم قابل اثبات است. این زیارت به درخواست شیعیان درباره شیوه ملاقات حضرت ولی عصر علیه‌السلام از سوی آن حضرت، در توقیع به محمد بن عبد الله حمیری صادر شده است. مضامین زیارت از نظر شکل ظاهری و همچنین محتوا با سایر زیارات اهل بیت علیهم‌السلام قرابت دارد، و همین نکته به اعتبار آن می‌افزاید.

۱. ر.ک: کامل‌الزیارات، البلد الامین، المزار الکبیر، المزار الصغیر و....

کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. ابن طاووس، علی بن موسی، قم، جمال الأسبوع، دار الرضی، ۱۳۳۰ق.
۳. ——— کشف المحجّة، ج ۲، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۵ش.
۴. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف، دارالمرتضویة، ۱۳۵۶ ش.
۵. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الكبير، قم، انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۹ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۷. احتجاج (ترجمه جعفری)، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۱ ش.
۸. ——— احتجاج، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۹. استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهرة، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. آلوسی، سید محمود، روح المعانی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۱۱. بحرانی، سید هاشم، البرهان، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۱۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد، محاسن، ج ۲، قم، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ق.
۱۳. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۴. بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۲۳ق.
۱۵. تمیمی بستی، محمد بن حبان، کتاب المجروحین، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
۱۶. جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم، اسراء، ۱۳۸۱ش.
۱۸. حداد عادل، غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، ج ۲، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۱۹. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، سیمای امام علی علیه السلام در قرآن (ترجمه شواهد التنزیل)، قم، اسوه، ۱۳۸۱ش.
۲۰. حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۲۱. حلی، حسن بن یوسف، رجال علامه حلی، ج ۲، نجف اشرف، دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.
۲۲. حنظلی رازی، عبد الرحمن بن ابی حاتم محمد بن ادريس، الجرح والتعديل، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
۲۳. خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، بی جا، نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ق.
۲۴. دشتی، محمد، فرهنگ سخنان امام مهدی، ج ۲، قم، انتشارات امیر المومنین علیّه، ۱۳۸۶ش.
۲۵. دوانی علی، نواب اربعه، قم، دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی علیّه، ۱۳۸۵ش.

۲۶. ذهبی، محمد بن احمد، *میزان الاعتدال*، دمشق، دار الرساله العالمیه، ۱۴۳۰ق.
۲۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات*، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
۲۸. سلیمانی، داود، *ققه الحدیث و تقد الحدیث*، تهران، فرهنگ و دانش، ۱۳۸۵ش.
۲۹. سیوطی، جلال الدین، *الدر المنثور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی ۱۴۰۴ق.
۳۰. شهید اول، محمد بن مکی، *المزار*، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۱۰ق.
۳۱. صدوق، محمد بن علی، *امالی*، چ ۵، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰ق.
۳۲. ——— *توحید*، قم، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۹۸ق.
۳۳. ——— *معانی الأخبار*، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۳۴. ——— *من لا یحضره الفقیه*، چ ۲، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۳۵. طاهری، حبیب الله، *سیمای آفتاب*، قم، موسسه فرهنگی انتشاراتی مشهور، ۱۳۷۸ش.
۳۶. طباطبایی، سید محمد حسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه موسوی همدانی، سید محمد باقر، چ ۵، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
۳۷. طبرسی، احمد بن علی، *ترجمه مجمع البیان*، تهران، فراهانی، ۱۳۶۰ش.
۳۸. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، *جامع البیان*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
۳۹. طریحی، فخر الدین، *مجمع البحرین*، چ ۳، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۴۰. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴۱. ——— *رجال طوسی*، چ ۳، قم، مؤسسه النشر اسلامی، ۱۳۷۳ش.
۴۲. ——— *فهرست کتب الشیعته*، قم، ستاره، ۱۴۲۰ق.
۴۳. طهرانی، آقا بزرگ، *الذریعه*، بیروت، دار الاضواء، بی تا.
۴۴. عاملی، *امل الامل*، قم، دار الكتاب الاسلامی، بی تا، بی تا.
۴۵. عسقلانی، ابن حجر احمد بن علی، *لسان المیزان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق.
۴۶. غفار زاده، علی، *زندگی نواب خاص امام زمان علیه السلام*، چ ۵، قم، نبوغ، ۱۳۸۳ش.
۴۷. فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات کوفی*، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۴۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، چ ۲، قم، هجرت، ۱۴۱۰ق.
۴۹. فضلی، عبدالهادی، *مقدمه ای بر تاریخ قرائت*، چ ۴، قم، اسوه، ۱۳۸۸ش.
۵۰. فیض کاشانی، ملامحسن، *تفسیر صافی*، چ ۲، تهران، الصدر، ۱۴۱۵ق.
۵۱. ——— *نوادیر الأخبار*، تهران، مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱ش.
۵۲. قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۵۳. قطب راوندی، سعید بن هبه الله، *سلوة الحزین*، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۷ق.

۵۴. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، *کنز السائقین*، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۵۵. کاشانی، ملا فتح الله، *منهج الصادقین*، تهران، علمی، ۱۳۳۶ش.
۵۶. کشی، محمد بن عمر، *إختیار معرفة الرجال*، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
۵۷. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، *البلد الامین*، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۴۱۸ق.
۵۸. _____، *المصباح (جنة الأمان الواقية و جنة الإیمان الباقیة)*، چ ۲، قم، دار الرضی (زاهدی)، ۱۴۰۵ق.
۵۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *کافی*، چ ۴، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۶۰. لشکری بغدادی، علی، *آل یاسین قرآنیة اصیلة*، قم، الغدیر، ۱۴۲۹ق.
۶۱. مازندرانی، ابو عبدالله محمدعلی، *معالم العلماء*، قم، بی نا، بی تا.
۶۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار*، چ ۲، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۶۳. مجلسی، محمد تقی بن مقصودعلی، *روضه المتقین*، چ ۲، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ق.
۶۴. مفید، محمد بن محمد، *امالی*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۶۵. مصطفوی، حسن، *التحقیق*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۶۶. معرفت، محمد هادی، *علوم قرآنی*، چ ۷، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۸۵ش.
۶۷. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ش.
۶۸. موسوی، سید فرید، *جرعه ای از زلال سرداب مقدس*، چ ۶، قم، یاقوت، ۱۳۸۵ش.
۶۹. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، چ ۶، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین بقم المشرفه، ۱۳۶۵ش.
۷۰. نوری، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.
۷۱. ویس کرمی، مهرداد، *سلوک سبز*، اصفهان، انتظار سبز، ۱۳۸۲ش.